

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۳ مارچ ۲۰۲۰

کدام یک خود را ارزان فروخت: "دونالد ترمپ" و یا "غنی احمدزی"؟

۳

پنجشنبه- ۲۲ حوت ۱۳۹۸ - کابل:

در بخش دوم این مختصر دیدیم که "غنی احمدزی" چگونه خلاف به اصطلاح "قانون اساسی" دست ساخت استعمار، جهت به رسمیت شناخته شدن یک دور دیگر حاکمیتش، همان قانون را نیز زیر پای نمود و در ازای شرکت نمایندگان امریکا در بالماسکه مراسم "تحلیف"، حاضر به رهائی ۵۰۰۰ تن از دشمنان مردم افغانستان از زندانها گردید. در این بخش می بینیم که "غنی احمدزی" در این معامله گری چه به دست آورده و چه چیز هائی را از دست داده است؟

ب: از لحاظ شخصیتی:

به نظر من "غنی احمدزی" با امضای رهائی ۵۰۰۰ زندانی طالب، از لحاظ شخصیتی باخت زیادی نموده است. یا بهتر است نوشت چیزی نداشته که ببازد. زیرا:

مردم افغانستان از نخستین روز های آمدن "غنی احمدزی" به افغانستان در همسویی و در رکاب اشغالگران امپریالیستی به نیکوئی وی را از لحاظ شخصیتی شناخته اند. این شناخت در جریان این ۵ سال حاکمیت آنچنان عمیق شده است که فکر نمی کنم در افغانستان کسی را یافت که شناخت کامل از "غنی احمدزی" نداشته باشد. یعنی تقریباً به درجات مختلف همه کس می داند که وی انسانیت خاین و وطنفروش و در خدمت نهاد های استخباراتی دشمنان افغانستان. این را هم می دانند که استعمار وی را در مکاتب استخباراتی چنان پرورش داده است که همه چیز را به مثابه یک معامله نگر بسته و حاضر است برای هر چیزی بهائی بپردازد و امتیازی دریافت دارد.

یعنی "غنی احمدزی" کارمند "بانک جهانی" در آن بانک فرا گرفته است تا دنیای ماحولش را به مثابه اشیا بیجان و جاندار قابل معامله دانسته، از معامله آنها کمترین دغدغه فکری به خودش راه ندهد. از همین روست که هر بار و در هر موقعیتی به چینگ و فریاد، یک چیزی را "خط سرخ" اعلام می دارد، مگر فردای همان روز دیده می شود که در ازای دریافت امتیازی، آن خط سرخ را خودش زیر پای نموده به جایش یک "خط زرد" باقی گذاشته است.

تکرار این مسأله باعث شده است که وی نزد مردم انسانی معرفی شود بی شخصیت، عهد شکن، معامله گر و در نهایت تسلیمی. از این بابت به نظر من معامله آخر ضربت زیادی از لحاظ شخصی بر شخصیت وی وارد نموده است زیرا غنی کاری خلاف شخصیت معامله گر همیشگی اش انجام نداده است، آنچه در این میان ممکن مخالفانش را بیشتر

متوجه ساخته باشد، فقدان حد و حدود "معامله" در زندگانی سیاسی و شخصی "غنی احمدزی" می باشد. یعنی مخالفان به چنان درک عمیقی از "غنی احمدزی" دست یافته اند که می دانند، در زندگی "غنی احمدزی" همه چیز قابل معامله است، حتا "روغنی". آنها متوجه شده اند که در چنان صورتی مشکل امتناع از معامله نیست، بلکه چانه زنی بر روی میزان پرداخت طرف مقابل می باشد، که به محض پرداخت آن، به همان سان که ناموس سیاسی میهن را با بردن افغانستان به پرتگاه تجزیه، به معامله گذاشت، از معامله در قبال ناموس شخصی اش نیز دریغ نخواهد نمود.

پ: از لحاظ سیاسی:

در این بخش قبل از آن که میزان برد و باخت را در معامله مطرح سازم، لازم است نخست اندکی به گذشته برگردیم و ببینیم که امپریالیسم امریکا در آستانه حمله بر افغانستان، به دنبال تحقق کدام ستراتیژی بود و چگونه ملا "محمد عمر" رهبر همان زمان طالبان، یا به دستور پاکستان و یا هم بنا بر تصمیم فردی خودش، با نپذیرفتن پیشنهاد امریکا، آن ستراتیژی را در همان مقطع ناکام ساخت.

ادامه دارد.